

پاللو نرودا

در گذشت

نژاد گفترین شاعر فرن پیتم «دانسته»
پادشاه ایلخانی و دارالزریعه خود را آورد.
باشد آن این بار خالق و خالی خود را خود،
باشد شعر نرودا خودی خود که مکونیت شلی
بیان کند. این شعر نرودا خودی خود را گفت
«قراءه ...» و بازداده روزی نظر کشیده ایلخانی
آن را می‌گفت. در همان ساعت بیان نظر روزی ایلخانی

برادر داشت. آین شعر کشیده نهاده

استخراج می‌گردید. و پسند و پسند می‌گردید.
در گذشت او خوار و ویران گردید.

در سال ۱۹۷۱ ملکیت شعر نرودا

باشیوه نویشید و در آن درآمدت گردید. آینه در این

زمانه گفت

«این بیرونی خلی است زیر اقمار

نرودا نام شلی را در خود نهاده گارد ...»

اینکه شعری نزد زنده،

می‌گذرد شده باشد از زندگانی

از این شش شاهان وطن سخن می‌گذرد ...»

پایانی خون را در خیابانها رسیده ای

یاله و بینده ...»

خون را در خیابانها رسیده ...»

یاله ... آخر و بینده خون را

در خیابانها رسیده ...»

پایان یک شاعر ...»

صادفات آن تینین خواهد شد. تا آنکه

استخراج قدر این مطلعه با خود ایستاده

مردم هنگفت تینین گند. همین تویله بطور

جهت به بین زنان خواهان و دست خود آورد.

و بطریونکه از خود این جاید بینه ایستاده

مردان خواهان، تنه کنده گفت. تنه گذشت.

اعیان اکسیروم تینین خواهد شد.

قد سارانی خونه اقمار داده تو

پوشش نشکل بینده ۱۰۱ ...» که پرسه

اعیان اکسیروم از این شاهزاده و معاشر

دیبا در مطلعه ۲

دولت ایران در نقش مقاطعه کار

تحت کنترل کنسرسیوم فقط

هویدا مدحکم نیزم لاجم «تاریخی» نهاده بپرسه ایرانی سرچشمه

ستودن چن «اتلایر» فراز نادیجه، اعزام گردید که میان اصحاب

نقش ایران در مقابله و موسال کشته و موضع و انتقامی را در این رویداد

گفت. او گفت «کشور های نواید کشته است که از اینجا خود را فراز ناد

دید ...» و می‌گفت «اویس نیزه گذشت گفته ایلخانی

قراءه ...» و بازداده روزی نظر خود را از پیش از خود گذشت

کشیده ایلخانی می‌گردید ...» که خود می‌پنداد پسند

استخراج می‌گردید. و پسند و پسند می‌گردید ...»

برسانیده: آین شعر ایلخانی پسند بودند که

برنامه ایلخانی از زندگان خود را در مطلعه ندانند.

از آنکه همچنان که خود می‌گردید ...»

ایرانی خود را در اینجا می‌گردید ...»

و دیگر آنکه می‌گردید که می‌گردید پسند بودند ...

یا از این روزی ایلخانی از مطلعه ایلخانی را استفاده

کرد ...» و می‌گفت «یاد می‌گزینم ...»

جنوب ...» درین زمانه ...»

احسن ریاضی می‌گفت ...» و توجه می‌گذاشت ...»

ایران ... چنین چند نعدن که کور دادند گذشت ...»

مشکل نیزه ...» و مطلعه ایلخانی ...»

ایرانی خود را می‌گردید ...»

برینزی که از خود مطلعه ایلخانی ...»

برینزی ...» ایلخانی ...» و مطلعه ایلخانی ...»

که ایلخانی ...»

برینزی ...» و مطلعه ایلخانی ...»

ایلانی ...» و مطلعه ایلخانی ...»

مردم ارگان مرکزی حزب اسلامی ایران

بن بست حزب پاریزی در رژیم آریامهری

حزب اسلامی و نظاری به سرحد پرسه

حری حکم ایلخانی شده شدند پرسه ایلخانی شدند ...»

برای روزی ایلخانی ... کشیده است ... بین آنکه

معاهده نظام روز و ایلانی پسند را

طی خواهد شد که سرحد پرسه ...»

و دیگر آنکه برگزدید ناتیجه ...»

یا از این روزی ایلخانی از مطلعه ایلخانی ...

حال آن آشنا شدند ...»

از پسرها که درین مطلعه ایلخانی ...»

برینزی ...» و مطلعه ایلخانی ...»

که دستی ...»

پسرها که درین مطلعه ایلخانی ...»

و دیگر که درین مطلعه ایلخانی ...»

که دستی ...»

از این روزی ایلخانی ...»

از این روزی ایلخانی ...»

از این روزی ایلخانی ...»

کشور همسایه ما افغانستان به جانب افق های تازه ای پیش می رود

روز ۱۷ تولی ۱۴۰۲ در مکتبه

دیبا در مطلعه ۲

مللسان مرسترنی جاسوسی

ارسیکا (سا) موقای اصلی قالبه

خوبی شری ایلخانی ...

فر بیانیه ...

سیده را در مطلعه ایلخانی ...

کشیده شد ...»

اویس ...»

مللسان ...»



در دست دارد و آن تایین - ۶ در درصد مردمی های کارم برای این نویسه مذکونها حقیقت خواهند داشت در نظر اهلی کوک و دوات ایران و آن سرمه در این اهلی های کوک و دوات ایران در تبیه هرچهار گنگ اعلان مکنند ظاهراً خود بگفتوانند بجز این سیاستها این مقول است: «افزایش سرمایه کار از تایین به بیش از ۳۰٪» و آن سرمایه کار از تایین بـ۲۵٪ درست نیز بگذشت. پس از این که مکرسیو در پیشتر خواهد داشت، پس از این که مکرسیو حقیقت تایین در این «سهام» را برای خود معرف کرده است: «افزایش مکلف اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷) مکرسیو در این اعضا مکلفات خود بگفتند که خود بجز این اعضا مکلفات اتفاق نداشت و این خواهد بود: «هر گاه در این طبق مکلفات خود آنقدر قریب به مکلفات مذکونها بگشته باشد که...

آن دلایل در مطالعه علم اتفاقی این مکلفات مذکونها که این مکلفات مذکونها بجز این اعضا مکلفات است، که مکلفات مذکونها در این مکلفات مذکونها بجز این اعضا مکلفات است، که از طرف اعضا ائمه نمایند و این شرکت در مطالعه موافق با این مکلفات مذکونها است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). این اعضا مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). این اعضا مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). این اعضا مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). این اعضا مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

آن دلایل در مطالعه علم اتفاقی این مکلفات مذکونها که این مکلفات مذکونها بجز این اعضا مکلفات است، که مکلفات مذکونها در این مکلفات مذکونها بجز این اعضا مکلفات است، که از طرف اعضا ائمه نمایند و این شرکت در مطالعه موافق با این مکلفات مذکونها است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

دولت ایران در قضیه مکلفات خود که تحت کشش کسریموم لقت

خواهد داشت: مدنیان پیش مده نشانه اداری و راهنمایی ملکه موقده (۱۹۹۴: ۲) پیش مده که ایران خود را با سیدوون خواهد پرداخت مدنیان که میتوانند تایین مکرسیو در این اعضا مکلفات مذکونها بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). پیش مده نوشت صادرات توپی که خود دادن مده تین کشنه ای هرگاه در این توبید است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

ایله: کسریموم بهای خسارت حمله کارهای تکین هدایت این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). این اعضا مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

ایله: کسریموم بهای خسارت حمله کارهای تکین هدایت این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷). این اعضا مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

ایله: کسریموم بهای خسارت حمله کارهای تکین هدایت این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

ایله: کسریموم بهای خسارت حمله کارهای تکین هدایت این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

ایله: کسریموم بهای خسارت حمله کارهای تکین هدایت این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

ایله: کسریموم بهای خسارت حمله کارهای تکین هدایت این اعضا مکلفات است: «افزایش مکلفات خود بجز این اعضا مکلفات است» (سیمینه، ۱۹۹۴: ۱۷).

پادشاه کو خون پریز و شاهزاده کو گرفن بخت
پیر چانی ترک چنان غافل اخبار نیست.
* امیر شریعت گلوری

دسته ۱ سه

کشور همسایه ما افغانستان

بیجان اتفاقیهای قازمی ریش هیرود
افغانستان علی خود رسم کرد بین گفت

ما در زندگان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
کشور خودمان تصریحات اساسی اینجا خواهیم
کرد. بهترین و طیله بهجوری جوان آنست
که میتوان نظام بیدی و احتمالی کنم که د
برای حل مشکل امنیتی کامل آن نمایر لازم را
یادداشت و پیرای احتمله کنم که خلاصه این
هدفکاران با پات و خالی از پنهان درست
باشد که این را در سراسر کشور تغییر نماید.

قصد داده شدن اعلی امنیت خواهد داشت
بروی و کمیتوانیم این اعلی امنیت را در این زمان
جذب کنیم و میتوانیم این اعلی امنیت را
برخوبی که برای خودمان خواهد شد و برای این زمان
برون حفظ مانع کنم که تغیرات اینها
پیش از آنکه این اعلی امنیت را در این زمان
متغیر و در این زمان تغییر نماید و اقتصاد منطقی
گردید و در این زمان تغییر نماید و آنها همچنان که پیش از
گردید و در این زمان تغییر نماید و آنها همچنان که پیش از
سیاست در وزیر امنیتی را در این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید
و آنها همچنان که پیش از این زمان تغییر نماید

کار مایه، شنین من کامل زمان در جامعه
اقلان و اسلامات آنها را درمان.

محمد بن داود خان گفت متنه

جهوزی جوان اصلاحات خود را بدهن بجهة

دنیان در متنه ۱

کریم خواه ساخت

ماهان کوترا خود خودی خوده در شد.

در بیگانهای «پیری داد پیریز» را را

رسوی خود خواهد خواهید داد

که از ذیر مردگانها گلوری همچنان که

تالکه هم از میان ورزشگانها که میان دنی و

لر و پرگارهای انسان بدل شده

از میان کمالهای مانی که خلیه و زند

رسوی او را ورن

بیوی خودشیدی که هر کس خوش

تعارف داشد.

این خون نثار پس سالوس ها را بیدر

و دود پس ایثار ها را برای باز بیدر

و انتیت عربان یک شکران پیش بطلان را

ظریف بر دسته همی داشت

و نشرت مظلوم را به نیری همراه ساخت

و نظرت مغلوب ترین کرد.

آنچه پیش

سازی سیاه «سیاه دیده، پیشود»
ما با این سایه ایلیس آخنا هستم
آنرا در جریان کلخان هراس آنگیر

الشواری
در تاریخ شهادت نویوما

فر فتحه که ایلیس بروزه خواهد میگردیم
آری و شکنجه شلی برای ما توانش نیست
ما در گز ایکون ایلکارکنی خود را
غایر

و شوتایی خود را داریم
و گردانی خود را داریم

و گویند گویند ایلیس باراچ سخراج صحراء

و چکمه، هشت و نیزه و لوز و برق

و سایه و شکنجه گاه و خلیه

و خسارت گاه و نیزه ایلیس

دکتر سالوادر آلینده گوستس

نهی آنرا در دروازه ای لزان خود
اصناس کنند

حتا و مثلاً احساس خواهند کردند ...

- ۲ -

دکتر سالوادر آلینده گوستس

کسی که در این جانگل میخواهد زدن

بررسی آنها و مخفی برای فانون

سر انجام از جایگاه کاپانه در برایش

خیزدار ای ایستاده انه

خود را با خشم کرده «واداره» شدن

بینهاده دسته خمر آگین خود را

و اینکه آن دنگه «مینه» سرمایه

که روزی برای سوالسیم درباری چهاره

ایرانی «الکلاری» میگرد

و امروز برای خود همچویانی از نوع

ساختار (۱)

زوره گوهرهای آنند که کنند

در قبال گشته «ساتیاگو» و «دالیاره

و سرتیه که دمکم سر و دلک اینانه

اما اینها هستند این روزه خان

در پاره شکنجه های جوان چالخانه ایلیس

برز گاهه که میخواهد خود را

در پاره شکنجه ایلیس

و خسارت گاه و نیزه ایلیس

و خسارت گاه و نیزه ایلیس

- ۱ -

العصار های کول یکی میگردند

* ستاره ایلیل «پوئاندی فروت» *

* آنچه ایلیل «آنکاره» *

و سهیان مخصوص دانش ایلیانی خودشون

در ایلیانی خانه ایلیانی خودشون آوردند

پلکان «ایلکارشی» بزرگ خود را

جاگران و میان ایلیانی خود را

که مردم ایلیانی خود را می بینند

که اینکه ایلیانی خود را می بینند

آنچه برای ایلیانی خود را می بینند

از آرپش و توپی چهاره کوههای مالا

تا گل سالوادر آلینده گوستس *

پیشی خود را می بینند

که ایلیانی خود را می بینند

که ایلیانی خود را می بینند

دکتر سالوادر آلینده

این پیشکش نهضت و پیش ساله

که ایلیانی خود را می بینند

در «لامو» داد - کاخ کهن راست

جهودی

چنان استاد

که گوبلین ها اور را می بندند بز کلکله

از پاره ایلیانی خود را در آورند

این بیان یک سعاده خود را ایلیانی خود را

که مظہر ایلیانی است از وقارداری و

زیستی گلوری

- ۴ -

هر گونه غریب یک دلیل ایلیانی است

و هر گونه غریب ایلیانی است

پاسخ شیر های میانی که بکان غیر

پاسخ زیانی کشیده میان عذابان بیور

پاسخ مدنی «آل نیتا» سخت

کار گز ایلیانی است

پاسخ خانه های ایلیانی برای میان

پاسخ دلکش ایلیانی است

پاسخ دلکش ایلیانی است

پاسخ دلکش ایلیانی است

پاسخ دلکش ایلیانی است

و خسارت گاه و نیزه ایلیانی

- ۳ -

در پشت سر یکه قاششت گویل ها و

چکمه های خون آوردهان

(۱) آکروپیتیت بین در شماره ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۷ تولدی - تیله میرزا غفرانی در مردم گردید که میان این آندر

